



دانشگاه پیام نور تهران
دانشکده علوم انسانی، گروه الهیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته
تاریخ تشیع
تحت عنوان:

نقش حوزه حله در تثبیت و گسترش تشیع
استاد راهنما:

آقای دکتر حسین مفتخری
استاد مشاور:

آقای دکتر هوشنگ خسروبیگی
پژوهشگر:
آمنه میرهاشمی

1391

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش حوزه حله در تثبیت و گسترش تشیع

چکیده:

حوزه حله از معروفترین حوزه های علمی عصر ایلخانی می باشد که عالمان این حوزه با تلاش در دو محور علمی یعنی آموزش علوم دینی در حوزه و مدرسه اوجایتو، تالیف کتب دینی توانستند نقش مهمی در تثبیت فقه شیعه و گسترش اندیشه سیاسی شیعه در جامعه اسلامی سده های هفتم و هشتم ایفا نم وند. اگرچه نباید نسبت به رفتار و فعالیت سیاسی عالمان حوزه در برابر تهاجم مغولان و حکومت آنها غفلت نمود.

تالیفات علمی عالمان حله در زمینه فقه شیعه به خصوص فقه سیاسی، در راستای تبیین و تکمیل دیدگاههای علمای پیشین به خصوص اندیشه شیخ مفید و شیخ طوسی بوده که با بررسی تعقلی احکام فقهی علمای پیشین در دایره المعارف ها، علمای اعصار بعدی را از رجوع به منابع فقهی علمای گذشته شیعه و حتی علمای اهل تسنن بی نیاز ساختند و همچنین سعی نمودند با تقسیم بندی ابواب فقه، الگویی در تنظیم احکام فقهی برای علمای بعدی ارائه داده اند. در مبحث کلامی، علمای

حوزه برای اثبات اعتقادات شیعه به خصوص در باب امامت، تصنیفاتی به شیوه استدلال عقلی و فلسفی تالیف نموده اند که بیشترین تالیفات کلامی در باب امامت به سبک استدلالی بوسیله عالم مشهور این حوزه، علامه حلی در سده هشتم تالیف شده که نتایج آن، اقرار علمای اهل تسنن در دربار ایلخانان به حقانیت شیعه بوده و از سوی دیگر با همکاری و ارتباط علمی با حاکمان ایلخانی توانستند زمینه را برای رسمیت یافتن مذهب تشیع در دوره اولجایتو فراهم آورند. کلید واژه : حوزه حله، علامه حلی، محقق حلی، فقیه جامع الشرایط، مناظرات، اولجایتو

مقدمه

فصل ۱ : ادبیات تحقیق

۱- ۱ طرح و بیان مسئله (6 - 19)

۱- ۲ اهداف تحقیق

۱- ۳ پیشینه تحقیق

۱- ۴ نقد و بررسی منابع

فصل ۲ : حله، مرکز علمی تشیع (20 - 37)

۲- ۱ تاریخچه حوزه علمی تشیع

۲- ۲ موقعیت جغرافیایی شهر حله

۲- ۳ تاسیس مرکز علمی تشیع در شهر حله

۲- ۴ امتیازات حوزه حله

فصل ۳ : واکنش علمای حله و حامیان حوزه در

حمله دوم مغولان (38 - 71)

۳- ۱ مغولان، تغییر در جهان اسلام

۳- ۱- ۱ نظام اجتماعی مغولان

۳- ۱- ۲ افکار مذهبی و اعتقادی مغولان

۳- ۲ وضعیت جامعه بغداد در زمان حمله هلاکو

۳ - ۳ واکنش علمای حله در حمله دوم مغولان به جهان اسلام

۳ - ۴ علمای شیعی و حمله هلاکو

۳ - ۴ - ۱ قتل خلیفه

۳ - ۴ - ۲ اتهامات بعضی مورخین بر نقش ابن

علقمی در سقوط بغداد

۳ - ۴ - ۳ اتهام همکاری خواجه نصیرالدین طوسی

با هلاکو

۳ - ۵ تاثیر علمای شیعه در تغییر افکار مغولان

۳ - ۵ - ۱ تاثیر خواجه نصیرالدین طوسی بر

تغییر افکار مغولان

۳ - ۵ - ۲ پذیرش منصب دولتی از حاکمان مغول

فصل ۴ : حوزه حله، تداوم اندیشه های علمای

پیشین (72 - 111)

۴ - ۱ ویژگی های علمی حوزه حله

۴ - ۲ نگاهی بر مدرسین مشهور حوزه حله

۴ - ۲ - ۱ ابن ادریس حلی

۴ - ۲ - ۲ محقق حلی

۴ - ۲ - ۳ علامه حلی

۴ - ۲ - ۴ فخر المحققین

۴ - ۳ اندیشه کلامی حوزه

۴ - ۴ مباحث فقهی حوزه علمیه حله

۴ - ۴ - ۱ دیدگاه علمای حوزه در مورد احکام

حکومتی

۴ - ۴ - ۲ مسایل حقوقی و قضایی مطرح در حوزه

حله

۴ - ۴ - ۳ دیدگاه علمای حله در احکام

اقتصادی

فصل ۵ : علامه حلی و نقش او در تثبیت و

گسترش تشیع (112 - 142)

۵ - ۱ دین و مذهب در عصر ایلخانان

۵ - ۲ گرایش اولجایتو به مذهب تشیع

۵ - ۳ مناظرات علامه حسن بن یوسف حلی با علمای

تسنن

۵ - ۴ فعالیت علمی علامه و تاثیر آن در ارتقای مذهب تشیع نتیجه گیری منابع و مآخذ

مقدمه:

مدت مدیدی از ساخت شهر حله توسط دولت مزیدی نگذشته بود که با ساخت حوزه علمی توسط ابن ادریس و با بازسازی آن توسط نجیب الدین محمد بن جعفر معروف به ابن نمای حلی در کنار مسجد امام زمان، شهر به صورت کانون علمی شیعه درآمد؛ به همین دلیل علمای شیعه از شهرهای مختلف برای تحصیل و تدریس علم راهی این شهر می شدند.

اهمیت فعالیت های علمی علمای حوزه زمانی نمایان می شود که بیان نماییم؛ رونق علمی حوزه مصادف با حمله مغولان به شهرهای عراق و همچنین در دوره حکومت ایلخانان بوده که علمای حله با تسلیم به موقع خویش، نه تنها مانع تخریب شهر شده بلکه با برقراری ارتباط با حاکمان ایلخانی در بازسازی دوباره جامعه اسلامی تحت تسلط مغولها و همچنین در شکوفایی علمی و فرهنگ اسلام تلاش نمودند.

سوالی در خصوص رفتار سیاسی علمای حله آن عصر مطرح می شود؛ آیا شرایط سیاسی آن دوره یعنی تسلط مغولان کافر در جوامع اسلامی باعث شده دیدگاه فقهی علما در خصوص مبحث حکومتی تغییر کند یا تغییر دیدگاه فقه سیاسی علما، باعث شده علمای حله رفتار متفاوتی در خصوص حکومت نسبت به علمای پیشین داشته باشند؟

از آن جا که اندیشه و دیدگاه های سیاسی علمای شیعه به خصوص در مورد رهبر جامعه اسلامی پس از غیبت امام عصر (ع) در کتابهای تاریخی کمتر اشاره شده و مورخین دوره صفویه هم تنها به بیان حکومتهای شیعه در طول تاریخ پرداخته اند و در دایره المعارفها نیز تنها به نوشتن زندگی علمای شیعه و تالیفات آنها بسنده نموده اند در حالی که امروزه پیامد اندیشه های سیاسی علمای شیعه به صورت نهادی به نام ولایت فقیه در جامعه ایران (به عنوان مرکز تشیع) دیده می شود؛ پس تحقیق در زمینه اندیشه علمی علمای شیعه به خصوص فقه سیاسی در مراکز علمی احساس می شود؛ به همین دلیل در این پژوهش، اندیشه و فعالیت سیاسی علمای حوزه حله را بیان نموده ایم.

سوال دیگری نیز در مورد همکاریهای سیاسی علمای حوزه با حکومت وقت، می توان مطرح کرد

آیا رفتار سیاسی علما به مانند ورود به دستگاههای حکومتی، باعث شده که مورخین متعصب سنی، شیعیان را به نوشتن نامه برای دعوت هلاکو به بغداد و در نهایت سقوط خلافت عباسی متهم نمایند؟ در حالی که در کنار شیعیان، چون خواجه نصیرالدین، ابن طاووس و ابن علقمی، خاندان اهل تسنن به مانند خاندان جوینی، حاکمان موصل از همان ابتدای ورود مغولان حضور داشته و با هلاکو همکاری نمودند. هدف از این پژوهش، دادن پاسخ به این سوالات می باشد که با استفاده از منابع تاریخی آن عصر و تالیفات علمای حوزه، تغییر دیدگاه و رفتار سیاسی شیعه را در زمان ایلخانان بررسی می نمایم.

اکنون در دانشگاههای ایران با تدریس رشته تخصصی به نام تاریخ تشیع، این ضرورت احساس می شود که تحولات دیدگاههای عالمان شیعه در خصوص رهبر جامعه اسلامی را در طول تاریخ به عنوان مبحث تاریخی تبیین نمایند. این پژوهش به عنوان آغازگر یک اتفاق مهم بر آگاهی بیشتر از تحولات اندیشه سیاسی عصر مغولان تالیف شده و تا حدودی تلاش نموده اندیشه و فعالیت سیاسی علمای حوزه حله در زمان تسلط مغولان بر جامعه اسلامی و در دوره حکومت ایلخانی بررسی شود. مهمترین مشکل پژوهش، ترجمه نبودن تالیفات فقهی علمای حوزه و دسترسی نداشتن به بعضی از تالیفات عالمان حوزه که با برطرف شدن این دو مسئله، دقیق تر می توان اندیشه های علمای حوزه را در مبحث فقه سیاسی تبیین نمود. بیشک تحقیق و بررسی این پژوهش بدون راهنمایی و مشاوره اساتید محترم که زحمات این پژوهش را بر عهده گرفتند؛ امکان پذیر نبوده است از اساتید بزرگوار، جناب آقای دکتر حسین مفتخری که راهنمایی این پژوهش را برعهده گرفتند و استاد ارجمند، جناب آقای دکتر هوشنگ خسروبیگی که مشاوره آن را پذیرفتند؛ کمال تشکر را می نمایم. جا دارد از خانم عابدینی، دانشجوی دکترای دانشگاه تربیت معلم به خاطر راهنمایی علمی و دقیق خود و همچنین نشان دادن برخی سرنخ ها در زمینه فقه سیاسی، سپاس ویژه خود را ابراز نمایم و همچنین از اساتید دانشگاه پیام نور تهران و مسئولین کتابخانه مجلس شورای اسلامی که در دسترسی منابع کمک فراوانی نموده؛ تشکر نمایم. پژوهش و امدار لطف این دوستان بوده که نگارنده را در این امر مهم یاری نموده اند.

سازماندهی تحقیق:

تحقیق پیش روی دربرگیرنده یکی مقدمه و پنج فصل خواهد بود. در مقدمه با طرح دو سوال از فعالیت علمی و سیاسی حوزه، محدوده تحقیق در زمینه نقش علمی و سیاسی حوزه حله در تثبیت و گسترش تشیع مشخص نموده ایم.

فصل اول پژوهش با عنوان ادبیات تحقیق، اشاره ای به حوزه‌های شیعه، ویژگی‌های تالیفی آنها و در پایان اهمیت علمی حوزه حله و هدف و سابقه پژوهش داشته که با مطرح کردن سوالات اصلی و فرعی در خصوص علل تاسیس حوزه علمی در شهر حله، ویژگی علمی حوزه خواستار مشخص نمودن محدوده پژوهش بوده ایم؛ در پایان به نقد منابع مورد استفاده پرداخته تا به صورت کلی ساختار پژوهش مشخص شود.

فصل دوم پژوهش با عنوان حله، مرکز علمی تشیع در چهار بخش، تاریخچه حوزه علمی شیعه، شرایط سیاسی و اجتماعی شهر حله، دلایل تاسیس مرکز علمی در شهر و در پایان خصوصیات علمی حوزه حله به عنوان ویژگی خاص حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل سوم با محوریت شیعیان و سقوط بغداد، که در پنج بخش تنظیم شده؛ در بخش اول به صورت مقدمه، ساختار اجتماعی و مذهبی مغولان به عنوان عوامل موثر در ایجاد تغییرات در جهان اسلامی قرن هفتم پرداخته شده و در بخش دوم، با بررسی شرایط اجتماعی و سیاسی بغداد، به عنوان علل داخلی سقوط بغداد بررسی می‌شود. در بخش سوم عکس العمل علمای شهر حله در حمله مغولان و جسارت آنها برای رفتن به نزد هلاکو، قبل از سقوط بغداد مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش چهارم با کمک منابع تاریخی آن دوره، نقش شیعه در سقوط بغداد را تحلیل می‌نماییم و در بخش پنجم فعالیت شیعیان در دوره آغازین حکومت ایلخانی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا فهمیده شود فعالیت آنها در راستای پیشرفت فرهنگ اسلامی بوده یا در جهت نابودی اسلام.

فصل چهارم با محوریت فعالیت علمی حوزه در جهت تداوم فعالیت علوم دینی علمای پیشین که در چهار بخش تنظیم یافته؛ بخش اول شاخصه علمی حوزه حله که طی آن، مباحث علمی مورد توجه حوزه بیان می‌شود. در بخش دوم، بیوگرافی چهار استاد مهم حوزه (ابن ادریس، محقق حلی، علامه حلی و فخر المحققین) مطرح می‌شود. در بخش سوم، دیدگاه کلامی حوزه در جهت اثبات حقانیت شیعه به شیوه تحلیلی بیان می‌شود. در بخش چهارم، دیدگاه فقهی حوزه به خصوص فقه سیاسی با محوریت حکومت مشروع اسلامی، مسایل حقوقی و قضایی مطرح در حوزه حله و نظرات علما در احکام اقتصادی بررسی می‌شود.

فصل پنجم با عنوان نقش علامه حلی در تثبیت و توسعه تشیع در جهان اسلام که در چهار بخش، وضعیت دین در دوره ایلخانان و گرایش اولجایتو به تشیع مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش سوم مناظرات علامه با علمای تسنن عاملی بر تمایل اولجایتو به مذهب شیعه و در نهایت فعالیت علمی علامه در جهت تعلیم علوم دینی در حوزه و مدرسه اولجایتو و همچنین تالیفات دینی علامه تبیین می‌شود؛ در پایان بیان

می شود که حوزه حله نقشی در گسترش تشیع در دو سده هفتم و هشتم داشته یا نه؟

فصل 1 :

ادبیات تحقیق

1 7 طرح مسئله:

شیعه امامیه از جمله فرق اسلامی است که بعد از وفات پیامبر گرامی اسلام (ص) تا سال 907 ه. ق یعنی زمانی که حکومت

صفویه به عنوان یک حکومت شیعی در ایران پا گرفت به عنوان یک اقلیت مذهبی در جهان اسلام به حساب می آمدند که به جزء حکومت کوتاه مدت امام علی (ع) و امام حسن (ع) و برخی حکومت‌های محلی، فاقد حکومت رسمی بود.

اگر چه ائمه (ع) پس از وفات پیامبر (ص) تا عصر غیبت، از حق مسلم خود (حکومت اسلامی) محروم شدند اما هیچ گاه نسبت به وظایف علمی خود برای تبیین علوم دینی و تفسیر قرآن غافل نبودند؛ گستردگی یا محدودیت کلاسهای علمی ائمه بستگی به شرایط سیاسی آن دوره داشت؛ چنانچه در دوره امام محمد باقر (ع) و امام صادق (ع) با انتقال حکومت از اموی به عباسی، شرایط بهتری برای این دو امام (ع) بر تعلیم علوم دینی فراهم آمد. در عصر حضور، ائمه (ع) به عنوان تنها مرجع تفسیر دین، مورد پذیرش عموم جامعه امامیه بودند؛ هر چند در بین صحابه نظرات مختلفی درباره ماهیت علمی امام دیده می شود.

با آغاز دوران غیبت، جامعه امامیه با مشکلات عدیده ای روبرو شد از جمله آنها، عدم دسترسی مستقیم به ائمه (ع) بود که برای شیعه امامیه یک خلاء در مسایل دینی و سیاسی همچون نماز جمعه، خمس، زکات، جهاد و قضاوت بوجود آمد. تالیفاتی که در مبحث غیبت و شرایط شیعیان در عصر غیبت توسط علما، نوشته شده نشانگر این است غیبت امام عصر (عج) برای عموم شیعیان قابل فهم نبوده؛ از این دوره به بعد، وظایف تعلیمی ائمه (ع) را علمای حوزه در جهت تعلیم و تبیین معرفت دینی با استفاده از دو منبع اصلی قرآن و حدیث ادامه دادند. بحثهای قرآنی غالباً در شکل تفسیر و بررسیهای موضوعی با رهیافتهای مختلف کلامی و عقلی ارائه می شد؛ از نمونه های قدیم در این مورد کتاب «الامالی و تنزیر الانبیاء» سید مرتضی و کتاب «التبیین فی تفسیر القرآن» شیخ طوسی می باشد. برای علما بحثهای حدیثی و روایات پیامبر (ص) و ائمه (ع) از جهت بسط و تفسیر قرآن و هم از جهت احکام تکلیفی منابع مهم تلقی می شد که پیرامون آن، علوم متعددی همچون نسخه شناسی، علم رجال و شناخت احوال راویان بوجود آمد. فعالیت دینی علمای شیعه از دوره غیبت کبری تا قرن ششم یعنی دوره فعالیت حوزه حله، در زمینه فقه به خصوص فقه سیاسی و کلام به شیوه های مختلف علمی نمایان می باشد مانند:

الف) شیوه حدیثی و نظریه اجتهادی نقل گرا در تاریخ فقه علمای نقل گرا به اهل حدیث مشهور بودند چرا که همت خود را صرف جمع آوری احادیث ائمه کرده و اساساً مباحث فقهی را جزء درک مفاهیم نصوص اخبار ائمه نمی دانستند. آنها از نیمه دوم قرن سوم تا اواخر قرن چهارم بر محیط علمی و مذهبی شیعه استیلا یافتند. محمد بن یعقوب کلینی، محمد بن علی بن حسن بن بابویه قمی معروف به شیخ

صدوق از جمله این بودند.

علمای حدیثی

(ب) شیوه اجتهادی عقل‌گرا

همزمان با استیلای محدثان بر محیط علمی شیعه، دو فقیه شیعی به نام حسن بن ابی عقیل عمانی و محمد بن جنید اسکافی پیدا شدند که نکته مشترک در روش فقهیشان، استفاده از شیوه استدلالی بود که می‌توان گفت ادامه فقه تحلیلی و تعقلی دوره حضور ائمه به شمار می‌آید. آنها برای نخستین بار فقه اجتهادی شیعه را به صورت مستقل از حدیث، لکن براساس آن و در چارچوب حدیث و برپایه استدلال تدوین کردند با اینکه هر کدام روش و شیوه خاصی داشته؛ اما در بسیاری از موارد در احکام و فتوا به نتیجه واحدی رسیده و نظر مشترکی اتخاذ کرده‌اند. از این رو در تاریخ فقه شیعه، آنها را قدیمین یاد کرده‌اند.

(ج) شیوه تفریعی

در مکتب متعلمان، اساس فقه برپایه ظواهر قرآن و احادیث مشهور، تبیین شده که روایات آحاد به خودی خود به عنوان منبع فقه به شمار نمی‌آمد؛ اما شیخ محمد بن حسن طوسی کوشید با حفظ شکل تعقلی و تحلیلی فقه به احادیث بدون در نظر گرفتن قراین و شواهد، اعتبار بخشد و این امر باعث شد که اساس نویی در فقه پدید آید که با شیوه پیشین تفاوت داشت. مکتب شیخ طوسی ترکیبی از دو مکتب اخباری و متکلمان بود. او باب فقه تفریعی عاری از هرگونه اعمال رای و قیاس و به طریق کشف‌صور، اشکال و لوازم یک مسئله را در کتاب المبسوط تدوین نمود و همچنین تلاش کرد تا فقه تطبیقی که توسط اساتید وی، شیخ مفید و سید مرتضی پایه ریزی شده را به صورت مجموعه مدون در کتاب الخلاف گرد آورد. او شالوده این دو کتاب را از متون سنی گرفته و در چارچوب فقه شیعه توسعه داد. شخصیت بی‌بدیل شیخ طوسی و شرایط نابسامان اجتماعی و سیاسی که از اواخر حیات شیخ پدید آمده زمینه رکود فقهی را تا یک سده پس از شیخ فراهم آورد؛ علمای که در این دوران بر مسند فقاهت نشستند جز نقل و شرح گفتارهای شیخ طوسی، چیزی بر فقه شیعه نیفزودند. تاسیس حوزه حله توسط ابن ادریس برای از بین بردن تاجر و خمودگری علوم فقهی بوده که با بازسازی آن توسط نجیب الدین محمد بن جعفر معروف به ابن نمای حلی درکنار مسجد امام عصر (ع)، حله را به کانون علمی شیعه تبدیل نموده به همین جهت علمای شیعه از شهرهای مختلف برای تحصیل و تدریس علم راهی این شهر می‌شدند؛ چنانچه سداالدین حمصی در بازگشت از حج، مدتی در این شهر اقامت گزید و کتاب «منتقد من التقليد» را در همین جا تالیف نمود و مدتی هم در حوزه مشغول تدریس شد. در ادامه با فعالیت علمی محقق حلی

و علامه حلی در این حوزه باعث شده که فقه و کلام شیعه در اعصار بعدی، وام دار مکتب حله گردد؛ تالیفات فقهی آنها در پیراستن و تکامل فقهی شیخ طوسی و بسط فقه استدلالی نمود می یابد از سوی دیگر رفتار سیاسی علمای حله و حامیان حوزه به خصوص خواجه نصیرالدین طوسی، ابن طاووس، محقق حلی و علامه حلی باعث گستردگی علوم اسلامی بر جامعه اسلامی در دوره تسلط مغولان کافر بوده؛ که در نهایت دلیل مهمی بر گسترش مذهب شیعه امامیه در دوره حکومت ایلخانان می شود.

1-2 هدف از تحقیق

ویژگیهای مهمی در حوزه علمی حله نهفته که برای جهان اسلام با تنوع فرقه ای می تواند مهم تلقی شود؛ از یک سو همکاری علمی علمای شیعه با عالمان تسنن، تحصیل علمای حوزه در نزد علمای تسنن و تحقیق و بررسی تالیفات فقهی اهل تسنن که می تواند الگویی برای ایران این عصر با وجود تنوع مذهبی قرار گیرد.

از آنجا که حوزه بین دو دوره خاص، یعنی شروع باب اجتهاد با تلاش شیخ طوسی در قرن پنجم و رسمیت یافتن تشیع در ایران عصر صفویه در قرن دهم قرار گرفته؛ به درستی حق مکتب حله در کتب تاریخی ادا نشده؛ در این پژوهش سعی می شود دیدگاه فقهی و کلامی و فعالیت سیاسی علمای حوزه به عنوان دلیلی بر رشد فرهنگ اسلامی و شیعه عصر مغولان، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

1-3 پیشینه تحقیق

با توجه به موضوع تحقیق « نقش حوزه حله در تثبیت و گسترش تشیع » می توان گفت تحقیقات در دو مبحث تاریخی و آثار علوم دینی حوزه حله، به صورت اختصاصی و مکملی کمتر صورت گرفته است. امروزه در سطح دانشگاهی و حوزه ای کتابهای متعددی در زمینه زندگی علمای شیعه تالیف شده که به زندگینامه عالمان شیعه و آثار دینی علما پرداخته اند که بخش محدودی از آن نیز به فعالیت علمی حوزه حله به عنوان حوزه فعال عصر مغولان اختصاص داده شده؛ کتاب « دانشنامه اصولی شیعه » اثر محمد رضا ضمیری، « فقها و حکومت » اثر محمد جعفر هرنندی، « اندیشه سیاسی محقق حلی اثر روح الله شریعتی از جمله این تالیفات می باشد.

خاورشناسان اروپایی نیز در مورد فعالیت علمی علمای اسلام و مکتبهای اسلامی به خصوص شیعه غافل نبوده و تالیفاتی در این زمینه به مانند کتاب « مکتبها و فرقه های اسلامی در سده های میانه » اثر ویلفرد مادلونگ، « کتابخانه ابن طاووس و آثار و احوال او اثر « اتان کولبرگ داشته اند که در ایران نیز به فارسی ترجمه شده است.

در سطوح دانشگاهی در زمینه شرایط دینی عصر مغولان و همچنین در مبحث شیعیان و سقوط بغداد و گرایش اولجایتو به

تشیع می توان به تالیفاتی به مانند کتاب «دین و دولت ایران در عهد مغول» اثر شیرین بیانی، «تاریخ تشیع در ایران» اثر رسول جعفریان، و «مسائل عصر ایلخانان» اثر منوچهر مرتضوی و کتاب «شیعیان پس از سقوط بغداد تا عصر صفوی» محسن الویری، رساله دکتری «تحولات اندیشه سیاسی در فقه امامی از علامه حلی تا شهید ثانی» محمد کاظم رحمتی و مقاله «مبنای رفتار سیاسی بزرگان شیعه در آغاز استیلای مغولان» محسن الویری اشاره نمود؛ از آنجا که در این تالیفات، به نقش علمی علمای حله در زمینه علوم دینی به خصوص فقه و کلام و فعالیت سیاسی آنها در دستگاه ایلخانی به عنوان دو مبحث مرتبط پرداخته اند؛ به همین دلیل، این موضوع را برای پژوهش انتخاب نموده تا به صورت بحث مکملی فعالیت علمی و سیاسی علمای حوزه را بررسی نماییم.

1-4 سؤال اصلی:

الف - آیا فعالیت علمی و سیاسی حوزه حله در تثبیت و گسترش تشیع امامی در ایران عصر ایلخانان تاثیرگذار بوده است؟
سوال فرعی:

- 1- چه عواملی باعث شد که شهر حله در سده 7-8 به عنوان مرکز علمی شیعه مطرح گردد؟
- 2- نقش علمای حله و حامیان حوزه در تعدیل خشونت مغولان در حمله به بغداد را بیان نمایید؟
- 3- آیا وجه تمایزی بین اندیشه های دینی علمای حوزه حله نسبت به حوزه های شیعی پیشین وجود دارد؟
- 4- علامه حلی به عنوان مهم ترین شخصیت حوزه حله در گسترش تشیع امامی در ایران چه نقشی ایفا نمود؟

5-1 فرضیهها:

حوزه حله در تثبیت و گسترش تشیع عصر ایلخانان نقش مهمی را ایفا نمود.

- بعد از تضعیف حوزه بغداد در دوران سلجوقی، شهر شیعه نشین حله به عنوان کانون علمی شناخته شد و در حساس ترین دوره تاریخی (عصر مغولان) نقش کلیدی را بر عهده گرفت.
- بر خلاف نظرات بعضی از مورخین متعصب به خصوص فرقه حنبلی، نه تنها علمای شیعه و حامیان حوزه چون ابن علقمی و خواجه نصیرالدین طوسی نقشی در انقراض خلافت عباسی نداشته

- بلکه با شناخت شرایط زمانه و ویژگی فکری مغولان، تلاش بی دریغی برای کم کردن قتل و غارت مسلمانان همه فرق داشتند. نظرات و دیدگاه فقهی حوزه نه تنها مکمل فقه بغداد بوده بلکه با دیدگاههای فقهی نو چون فقیه به عنوان نایب امام و پاسخ به مباحث سیاسی، اقتصادی و قضایی بی پاسخ حوزه های پیشین، تحولی در فقه شیعه بوجود آورده که پیامدش افزایش قدرت سیاسی فقها می باشد.
- علامه حلی در گرایش اولجایتو به تشیع نقش به سزایی داشته؛ اگر چه تمایلات شیعی جامعه ایرانی و سیاست مذهبی اولجایتو را نباید نادیده گرفت.

1-6 مراحل تحقیق:

این پژوهش طبق شیوه مرسوم رشته تاریخ، به صورت پژوهش کتابخانه‌ای بوده؛ که پس از جمع آوری منابع و فیش برداری، فصلها را تنظیم کرده و با تحلیل علمی کتابهای تاریخی، نقش علمای حله را در تثبیت تشیع اثبات نموده ایم و با استفاده از کتابهای فقهی و کلامی عالمان حوزه، نقش علمی علما را در گسترده‌گی مذهب شیعه بررسی نموده ایم.

1-7 نقد منابع و مآخذ

با توجه به موضوع پژوهش، می توان منابع مورد استفاده را به سه بخش تقسیم کرد؛ منابع تاریخی در مورد روابط سیاسی علمای حوزه با دستگاه حکومتی، دایرة المعارف ها در مورد شناخت شخصیتها علمی حوزه و تالیفاتشان و همچنین منابع فقهی و کلامی عالمان حوزه به خصوص در مورد فقه سیاسی که تأثیری در رفتار سیاسی شیعیان در دوره حکومت ایلخانان داشته است. از آنجا که رونق علمی حوزه همزمان با حمله مغولان و تشکیل حکومتی ایلخانان بوده و منابع تاریخی اشاره به فعالیت سیاسی عالمان حوزه در قبل و بعد از حمله مغولان داشته و حتی بعضی منابع آن دوره و دوره های بعدی، شیعیان را محرک مغولان در حمله به بغداد دانسته اند؛ در این پژوهش سعی شده با بررسی کتابهای تاریخی عصر مغول، به صحت و سقم آن پی برده و در ادامه تلاش شده با تحلیل داده های تاریخی عصر اولجایتو، نقش علامه حلی را در رسمیت یافتن مذهب شیعه تبیین شود.

1) منابع تاریخی

تاریخ جهانگشای عطاملک جوینی:
 خاندان جوینی از مشهورترین و قدیمی ترین خاندان ایرانی که دارای مناصب دولتی در دوره سلاجقه و خوارزمشاهیان و مغولان بوده و به خاندان صاحب دیوان مشهور بوده اند. شمس

الدین محمد بن احمد الذهبی در کتاب تاریخ الاسلام خود، سلسله نصب جوینی را تا فضل بن ربیع وزیر دوره هارون الرشید می‌رساند؛ هرچند بعضی از این خاندان به مانند شمس الدین محمد برادر عطاملک نیز در دستگاه حکومتی هلاکو و اباقا خان منصب وزارت داشت.

عطاملک مولف کتاب تاریخ جهانگشا متولد سال 623 ه.ق که قبل از حمله هلاکو در خدمت امیر ارغون حاکم ماوراء النهر بوده و در سمت دبیری برای مغولان خدمت می‌کرد و حتی ارغون را در چندین سفرش به قراقورم، پایتخت مغولان همراهی کرده و در سفر پنجم که برای محاسبات اموال به قراقورم نزد منگوقاآن رفته بود؛ جمعی از دوستان مغولی وی پیشنهاد دادند مطالبی از آثار و اخبار مغولان بنویسد.

عطاملک فکر می‌کرد از عهده چنین امر خطیر برنیاید؛ ولی از آنجا که ارتباط دائمی با اشراف مغول داشته بالطبع وسایل جمع آوری حکایات و روایات اقوام مغول به واسطه سماع از رجال ثقات آن طایفه برای وی میسر بوده و بدین شکل مشاهدات و مسموعات خود را به سال 650 ه.ق تالیف نمود. از دیگر تالیفات وی «تسلیه الاخوان» که یک نسخه از آن در کتابخانه ملی پاریس موجود است؛ این رساله مشتمل بر ذکر مصائب و محنتی است که در حدود سال 680 ه.ق به واسطه سعایت مجدالملک یزدی بر وی وارد شده تا خلاصی وی از حبس به دستور اباقا در سال 680 ه.ق می‌باشد. رساله ای به عنوان متمم «تسلیه الاخوان» وجود دارد که مضامین آن دنباله همان مصائبی است تا جلوس سلطان احمد و قتل مجدالملک یزدی در عصر احمد تکودار می‌باشد.

محمد قزوینی کتاب جهانگشا را در سه جلد تصحیح نموده و در جلد سوم، رساله خواجه نصیرالدین طوسی که در مورد حمله هلاکو به بغداد و سقوط خلافت عباسی بوده را به عنوان ذیل جهانگشای اضافه نموده است. فصل اول در تاریخ چنگیزخان و اعقاب او تا کیوک خان، فصل دوم اختصاص یافته به خاندان خوارزمشاهیان و نحوه سقوط آنها در حمله چنگیزخان و همچنین امیرانی که به فرمان خان مغول درنواحی متصرفه ایران حکومت داشتند. در جلد سوم وضعیت اجتماعی مغولان قبل از جلوس منگوقاآن بیان شده و در ادامه اشاره ای به فرمان منگو بر حمله به غرب آسیا به فرماندهی هولاکو داشته و همچنین به صورت خلاصه، تاریخچه اسماعیلیان را از زمان قدرت گیری آنها در ایران تا عصر رکن الدین خورشاه را نوشته است. این کتاب برای فهمیدن وضعیت اجتماعی مغولان به خصوص عصر منگوقاآن و همچنین برای آگاهی از قوانین اجتماعی و عقاید دینی آنها، بهترین منبع به حساب می‌آید که عطاملک بدور از افراط بیان نموده و حتی در مورد حمله مغولان به ایران و سقوط اسماعیلیان به دور از تعصبات مسلمانی و تنها اشاره به حوادثی کرده که به چشم خویش نظاره گر بوده است. سکوت وی در حمله هلاکو به بغداد نیاز

به تأمل دارد و این احتمال می رود که جوینی از این اتفاق ناراضی بوده اما با داشتن سمت دولتی در دستگاه حکومتی مغولان، هیچ گاه نتوانسته ابراز نماید به همین دلیل تالیف خود را با سقوط اسماعیلیان به پایان رسانده است. این کتاب به عنوان اولین منبع برای شناخت وضعیت اجتماعی و دینی مغولان و شیوه فتوحات آنها مهم بوده که اکثر مورخین دوران بعدی برای تالیف ویژگی اجتماعی مغولان بدان استناد نموده اند. اگر چه نباید نسبت به نسخه خواهه نصیرالدین طوسی که در پایان جلد سوم با موضوع سقوط بغداد آمده؛ غفلت کرد. مصحح کتاب با نوشتن رساله خواهه نصیرالدین طوسی به نحوی کار جوینی را تکمیل کرده چرا که کتاب با قدرتگیری مغولان و حملات چنگیزخان به جامعه اسلامی آغاز شده و با سقوط اسماعیلیان به صورت ناقص پایان می یافت. رساله خواهه نصیرالدین طوسی در شرح سقوط بغداد که بدور از تعصبات مذهبی حوادث را ذکر نموده و در این اتفاق نه بر شیعیان و نه بر خود هیچ نقشی قائل نشده، می تواند نادرست بودن بعضی از ادعاهای مورخین سده بعدی را اثبات نماید. در این پژوهش سعی شده با استناد به این کتاب نظام اجتماعی و دینی مغولان را بشناسیم چرا که احتمال دارد با بررسی قانون یاسا، دلیلی بر گرایش دینی غازان خان و اولجایتو به مذهب تشیع پیدا کنیم.

-تاریخ الفخری، اثر محمد بن علی بن طباطبا معروف به ابن طقطقی

محمد بن علی بن طباطبا معروف به ابن طقطقی مولف شیعی مذهب و نقیب علویان حله، نجف و کربلا بوده که در سال 701 ه.ق کتاب خود را به نام فخرالدین عیسی بن ابراهیم حاکم موصل تالیف نموده اما هندوشاه مولف تجارب السلف در مقدمه کتاب بیان داشته که کتاب را به جلال الدین بن زنگی شاه بن بدرالدین حسن بن احمد دامغانی تقدیم کرده که شاید بتوان حدس زد که پس از تالیف نسخه اول، به تالیف نسخه بعدی با بعضی تصرفات و افزایش و کم کردن مطالب پرداخته و کتاب را تقدیم دامغانی کرده است.

اسم حقیقی کتاب به تصریح نگارنده تجارب السلف، منیه الفضلا فی التواریخ الخلفا و الوزراء می باشد چنانچه میرزا محمد قزوینی در جلد اول جهانگشا اشاره کرده در حالی که هیچ یک از مستشرقین و طبع کنندگان کتاب مزبور از آن اطلاعی نداشتند.

از سقوط خلافت عباسی مدت زمان زیادی نگذشته بود که ابن طقطقی با هدف شناساندن حوادث مهم خلفای اسلامی پس از پیامبر تا زمان سقوط خلافت عباسی و وزیرای آنها، این کتاب را تالیف نموده که در این پژوهش برای شناخت جامعه اسلامی عصر مستعصم منبع مهمی محسوب می شود چرا که ابن طقطقی علل

سقوط خلافت را در نابسامانی جامعه اسلامی دانسته که این نابسامانی نشات گرفته از اقدامات اطرافیان خلیفه به غیر از وزیر بوده که سعی می نمودند حوادث و اتفاقات جامعه اسلامی را از خلیفه پنهان دارند و در ادامه تلاش نموده درستکاری ابن علقمی را ثابت نمایند که همیشه تابع خلیفه بوده و هیچ گاه در صدد خیانت برنیامده و حتی در سقوط خلافت، نقشی بر خلیفه مستعصم قائل نشده و با آوردن روایاتی، به تمجید از خلیفه مستعصم پرداخته که این تمجیدها بوسیله فردی شیعی جای بسی تامل دارد که آیا وی از حکومت مغولان ناراضی بوده یا نه؟

-تجارب السلف در تاریخ خلفا و وزرای ایشان، اثر هندوشاه بن سنجر بن عبدالله الصاحبی الکیرانی

هندوشاه بن سنجر بن عبدالله الصاحبی الکیرانی که با توجه به صاحبی که به دنبال اسمش آمده می توان حدس زد که او در سلک خدمت خواجه شمس الدین جوینی یا در خدمت عطا ملک بوده؛ کیران به عنوان محل تولد وی، شهری در آذربایجان بین تبریز و بیلقان جزء نخجوان بوده است. کتاب تجارب السلف ترجمه کتاب ابن طقطقی با تصرفات بسیار و آوردن مطالب جدید، که پس از مطالعه کتاب تاریخ طبری، کامل ابن اثیر، شرح نهج البلاغه، کتاب المعارف ابن قتیبه، ابومسلم نامه طرطوس و... بدان افزوده؛ هندوشاه آداب سلطانی و سیاست ملکداری ابن طقطقی را حذف کرده اما در خصوص تاریخ خلفا و وزرا، چیزی از اصل کتاب الفخری نینداخته در عوض سیره رسول اکرم (ص) و احوال وزرای آل بویه و سلجوقیان و مطالب کثیری در احوال خلفای اخیر بنی عباس را با اقتباس از دیگر کتابها اضافه نموده است. این کتاب برای فهمیدن وضعیت جامعه بغداد در زمان حکومت مستعصم بهترین منبع محسوب می شود که در این پژوهش سعی نموده ایم با استفاده از این منبع، به تحلیل علل سقوط بغداد بپردازیم؛ چرا که کتاب به صورت ساده و بدون از تعصبات مذهبی شرایط جامعه اسلامی را در زمان آخرین خلیفه بیان نموده است.

- تاریخ اولجایتو، اثر ابوالقاسم عبدالله بن علی بن محمد الکاشاری

ابوالقاسم عبدالله بن علی بن محمد الکاشاری در تالیفات خود، هیچ اطلاعی از خانواده اش ارائه نمی دهد و به خاطر همین عده ای او را اهل کاشان دانسته اند؛ اما با توجه به مذهب تسنن نویسنده، کاشانی بودن وی رد شده و احتمال می رود که اهل قاشان یعنی شهری نزدیک بغداد باشد. غیر از این کتاب، دو کتاب زبدة التواریخ و عرایس الجواهر را نیز تالیف نموده است. مهین همبلی، مصحح کتاب با

توجه به شیوه نگارش کتاب احتمال می دهد که شاید او یکی از منشیان و وقایع نگاران دربار ایلخانی بوده که زیر نظر خواجه رشیدالدین به گردآوری و تنظیم تاریخ بزرگ رشیدی پرداخته و به همین دلیل ادعای نوشتن جامع التواریخ را در این کتاب داشته است.

کتاب از نظر شیوه نگارشی با کتابهای آن دوره چون تاریخ جهانگشای، جامع التواریخ و تاریخ وصاف تفاوت داشته چرا که این کتاب ساده، کم حجم و عاری از تکلفات و تصنعات ادبی بوده و به شیوه روزنامه نگاری و وقایع نویسی تالیف شده که وقایع روزانه را از مرگ غازان تا سال 718 ه.ق یعنی سال شروع سلطنت ابو السعید نوشته است. کتاب به عنوان ادامه و مکمل جامع التواریخ حائز اهمیت است چرا که با توجه به فهرست کتاب جامع التواریخ، احتمال می رود که غازان قصد ادامه کتاب را داشته اما به علی نتوانسته ادامه دهد.

کتاب دارای یک مقدمه برای شناخت شخصیت سلطان محمد خدابنده و فرزندان و شاهزادگان و امرای دربار خدابنده می باشد؛ یک متن اصلی به صورت وقایع نویسی به سالهای 704 تا 717 هجری آورده شده و یک خاتمه در مورد لطایفی از افعال و مکارم اخلاقی اولجایتو می باشد. دلایل گرایش غازان خان به تشیع، مبحثی است که در کتاب جامع التواریخ رشیدی بدان اشاره نشده اما در کتاب کاشانی آمده و همچنین به عنوان منبع دست اول در مورد همراهی علامه حلی به همراه فرزندش در مدرسه سیاره با دستگاه حکومتی ایلخانی و همچنین وضعیت جهان اسلام پس از رسمیت یافتن تشیع، که در این پژوهش به آن استناد نموده ایم. - ذیل جامع التواریخ رشیدی، اثر حافظ ابرو

نورالله عبدالله بن لطف الله بن عبدالرشید البهدادینی (الخوافی) معروف به حافظ ابرو از مورخان دوره تیمور و جانشینان وی در ایران می باشد. فصیح خوافی، کنیه او را شهاب الدین و مولودش را خواف، عبدالرزاق سمرقندی کنیه او را نورالدین و تولد وی را هرات می داند. در مورد وجه تسمیه ابرو، بعضی ها بیان داشته اند که وی از الکای ابرخراسان که در حدود بسطام بوده که ابری به ابرو تحریف یافته است. در مورد حافظ شاید به دلیل حفظ قران و شاید اصطلاحی برای داشتن علم فن حدیث بوده؛ که به این لقب معروف شده است.

وی از مورخان دربار شاهرخ میرزا و هم عصر با شرف الدین علی یزدی صاحب ظفرنامه و امیرنورالدین شاه نعمه الله ولی، پیشوای طایفه نعمت الهی و خواجه محمد مشهور به پارسی از اصحاب نقشبندیه بوده است.

سال تولد وی در حدود سال 758 ه.ق و سال وفات او به قول فصیح خوافی به سال 833 ه.ق و مدفن وی در زنجان در جوار قبر ابوالفرج الزنجانی می باشد.

حافظ ابرو قبل از شروع تالیف متن اصلی کتاب ذیل جامع التواریخ، در مقدمه ای به تعریف از تاریخ و فواید آن می پردازد که نشان از آگاهی به رمز و آیین تاریخ نویسی است. زبان نوشتاری وی ساده و دور از حکایات اغراق آمیز بوده و در آغاز هر فصلی، فهرستی از منابع و ماخذ مورد استفاده را ذکر کرده و از کتابهای دیگر این مورخ، ظفرنامه شامی و تاریخ وقایع سلطنت شاهرخ و مجمع التواریخ می باشد.

کتاب ذیل جامع التواریخ رشیدی از سلطنت اولجایتو آغاز و تا آخر حکومت امیر تیمور ادامه دارد که مبحث تشیع اولجایتو را به شیوه توضیح در پانویس آورده در حالی که متن اصلی وقایع در کتاب مجمع التواریخ آمده است. علل گرایش اولجایتو به مذهب تشیع و مناظرات علامه حلی با علمای اهل تسنن در مجلس خدابنده به عنوان دلیلی بر رسمیت یافتن تشیع در عصر اولجایتو از موضوعاتی است که در این پژوهش بدان استناد نموده ایم.

-طبقات ناصری یا تاریخ ایران و اسلام، اثر منهای سراج جوزجانی

منهای سراج نویسنده فاضل که در دربار سلاطین غور و آل شنسب بوده و بسی از حوادث تاریخی را در اوایل خروج مغول به چشم دیده و یا از اشخاص ثقه شنیده سپس به هند رفته و منصب قضاوت را در دربار سلاطین هند برعهده گرفت.

کتاب طبقات ناصری از نظر شیوه نگارش و روانی انشاء و هم در ضبط وقایع به خصوص برای فهمیدن نظام اجتماعی مغولان و نحوه قدرت یابی و پیروزی آنها بر شرق آسیا، یکی از آثار برجسته محسوب می شود؛ چرا که بسی از حوادث آن دوره را به رای العین مشاهده نموده است.

مولف نسبت به خلافت عباسی و فرق تسنن تعصب خاصی داشته که در تالیفات خود نتوانسته آن را پنهان نماید به همین دلیل سعی نموده همه مشکلات حکومتی و حتی علل سقوط بغداد را به شیعه به خصوص ابن علقمی نسبت دهد. به خاطر همین نگاه تعصب آلود وی، سعی نموده ایم که با استناد از کتابهای تاریخی آن عصر به تحلیل ادعاهای وی در مورد نقش شیعه در سقوط بغداد پردازیم.

-تاریخ روضه الصفا فی سیره الانیباء و الملوک و الخلفاء، محمد بن خاوند شاه بن محمود (میرخواند)

مؤلف روضه الصفا از مورخان سده نهم که در دقت و صحت مطالب تاریخی در بین مورخان آن عصر مشهور بود. وی فرزند برهان الدین خاوند شاه که به چهار واسطه، فرزند سید اجل بخارای از سادات بزرگ ماوراء النهر بوده و نصب ساداتش به زید بن علی بن الحسین (ع) منتهی می گردد.

903 تولد میرخواند با توجه به تاریخ وفات او در سال 837 ه. ق که 63 سال نیز زندگی نموده؛ باید به سال 774 ه. ق باشد. وی به خدمت امیر علی شیرنوائی از مقربان سلطان حسین بایقرا رسیده و به تشویق وی به تالیف تاریخی در باره انبیاء و خلفا و ملوک پرداخته است. روضه الصفا از نظر سبک نویسندگی و دادن اطلاعات مفید تاریخی اهمیت دارد؛ چرا که مؤلف پس از بیان فواید علم تاریخ، مباحث را به شش قسم تقسیم کرده که از حضرت آدم شروع و تا حکومت امیر تیمور ادامه دارد؛ نوه دختری وی، خواندمیر مؤلف حبیب السیر کتاب را ادامه داده و وقایع دوره تیمویان را پس از امیر تیمور نوشته و رضا قلی هدایت در عصر قاجار کتاب را تا دوره ناصرالدین شاه قاجار ادامه داده است.

جلد هشتم روضه الصفا اختصاص دارد به مبحث مغولان و حکومت ایلخانان که پس از ذکر اصل و نسب چنگیزخان، اشاره ای به حملات مغولان به جهان اسلام و تشکیل حکومت ایلخانی در ایران و حوادث مهم آن عصر داشته است. نثر کتاب مسجع و دقیق که هیچ گاه نتوانسته تعصبات دینی خود را کنار نهد به خصوص در مورد سقوط بغداد که اگر چه اشاره ای به شرایط نامناسب بغداد در عصر خلیفه مستعصم داشته اما باتناقض گویی خواسته به نوعی نقش ابن علقمی را در سقوط بغداد مهم جلوه دهد. در این پژوهش سعی نموده ایم علاوه بر بحث سقوط بغداد، در مبحث همکاری علمای تسنن با خواجه نصیرالدین طوسی در تاسیس رصدخانه به این کتاب استناد نماییم.

2) دایره المعارف ها

- مجالس المومنین، اثر سید نورالله شوشتری

نورالله ملقب به قاضی مؤلف کتب احقاق الحق، کتاب مصائب النواعب، کتاب عقاید الامامیه و همچنین مجالس المومنین که هم عصر با شیخ بهایی بوده و وی را در اکبرآباد هند به جرم تشیع شهید نمودند. بنا بر نقل شیخ علی حزین در کتاب تذکره خود، سید جلیل در هند همیشه مذهب خود را از مخالفین مخفی می داشت و طریق تقیه را می پیمود و به خاطر آگاهی از مسایل فقهی اهل تسنن، وی را عالم و فقیه اهل تسنن برمی شمردند و اکبرشاه، سلطان دهلی منصب قاضی القضاتی را به او تفویض نموده؛ سید هم به دو شرط که خود صاحب رای و